

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 66)

موشک پرانی های جانب ایران بالای خاک افغانستان

مقام های جمهوری اسلامی ایران نیز در عین حالیکه ظرف سالهای جهاد و استمرار آشفته گیهای جنگی در افغانستان، سو استفاده های عظیم سیاسی، تبلیغاتی، دینی و استخباراتی به نفع جانب خویش بعمل آورده و حتا در نا امن سازی بخشهایی از کشور نقش داشته است، موازی با موشک پرانی های حکومت پاکستان بالای افغانستان، ده ها موشک از داخل خاک ایران به سوی قلمرو افغانستان در ولایت نیمروز شلیک نمودند. چنانکه باساس، گزارشهای مطبوعات و مقام های محلی افغانستان که به روز بیست و یکم ماه میزان سال 1390 خورشیدی، از قول " جبار پُردلی " فرمانده پولیس ولایت نیمروز به نشر رسید، موشکهای ایرانی ها عمدتاً در مناطق موسوم به " گذر عبدالرحمان " و " خواجه عبدالرحمن " در حاشیه غربی ولایت نیمروز اصابت نموده یک پسر سیزده ساله را زخمی کرد.

گزارشها میرسانیدند که مقام های ایرانی، با استفاده از ضعف دولت مرکزی افغانستان و اوضاع شکننده آن، میخواستند حواشی مرز میان دو کشور را اشغال و

تأسیسات نظامی شان را در داخل قلمرو افغانستان ایجاد نمایند. اقدامات نا روا و اشغالگرانه بی که حکومت مداران پاکستانی نیز به سهم خویش، در چند سال گذشته علیه خاک افغانستان انجام دادند.

منطق اصلی حملات موشکی ایران بالای نیمروز و نا امن سازی آن ولایت، ظاهراً در این نهفته بوده است که گویا امریکایی ها، در تلاش آن افتاده بودند تا در قبال امضای توافقنامه استراتژیک میان افغانستان و امریکا، پایگاه مجهز نظامی در آن ناحیه ایجاد نمایند که این اقدام از سوی مقام های ایرانی، تهدید علیه منافع ملی آنها تلقی میشود. پس، یکی از دلایل برقراری ارتباط میان ایران و گروه طالبان در " خاشرود " و نواحی مرز میان دو کشور، همین نکته بحساب رفته میتوانست. تذکر این موضوع نیز ضرور خواهد بود که مطبوعات افغانستان و مقام های ولایت هرات و نیمروز، صراحتاً گفتند که ایرانی ها به حیل و ذرایع مختلف از اعمار " بند کمال خان " و " بند سلما " در ولایت هرات و نیمروز، با به راه اندازی نا امنی ها و کارشکنی ها، جلو گیری بعمل می آورند. بند های مذکور که قرار است بالای دریای هلمند اعمار شود، علاوه از آنکه صد ها جریب زمین را آبیاری خواهند کرد، تولید نیروی برق نیز از بند های مذکور مدنظر خواهد بود. به این ترتیب، مقام های ایرانی که خواهان استفاده از آب دریای هلمند به سود خویش هستند، چنین استنباط میکنند که در صورت اكمال این پروژه ها، آب کافی مورد ضرورت آنها، کاهش خواهد یافت. این نکته را به این جهت متذکر شدم که باساس تجارب چندین ساله در افغانستان، هر زمانیکه جنگهای داخلی و تجاوزهای خارجی در این کشور صورت گرفته و مردم افغانستان از فقدان یک دولت مرکزی

قوی، اقتصاد بهتر و امنیت مورد نیازشان محروم شده اند، همسایه ها بدون در نظر داشت حسن همجواری و رعایت قوانین تعیین شده بین المللی، به دام طماع افئیده دست به تعدی و جفا کاری و سنگ اندازی و تجاوز به سوی افغانستان دراز نموده اند. در حالیکه همه میدانند که استفاده از آب و خاک کشور یا اعمار بند و انهار غرض تأمین رفاه عامه، از زمره حقوق مسلم هر دولت و ملت در جهان امروز ماست. پس هر رژیم دیگری که در این مورد سنگ اندازی یا ممانعت بعمل می آورد، در حکم مداخله صریح و غیر مجاز در امور داخلی جانب مقابل است. و اما با دریغ که در همین دوران، دست اندازیها، مداخله ها، تجاوزها و جفاکاریهای متعددی از سوی کشورهای مختلف جهان و در عین زمان، همسایه های افغانستان بر ضد منافع ملی و حقوق مسلم مردم این کشور بگونه آشکار صورت میگرفت.

در مورد تمديد پروژه انتقال گاز ترکمنستان از خاک افغانستان بسوی بندر " گواه " که مورد نظر کمپنی بزرگ یونوکال امریکا ست، نیز مقام های ایرانی تا کنون، با ذرائع مختلف داخل فعالیت میباشند تا از تطبیق این پروژه بزرگ که قرار گزارشها، سالیانه حدود سه صد ملیون دالرنصیب افغانستان خواهد کرد، جلوگیری بعمل آورند.

(ادامه دارد)